

نداء خلق

تفاق و خوف زاده همه بد بختیاست

امروز در دنیا همه امور حیاتی مردم بدست خود شان سپرده شده و تمام قضایا و حیاتی شان باستناد رای عامه حل و فصل میشود زمامداران و کسانی که موظف بامور اجراییه مملکت اند دایما سعی میکنند سیاست و خط مشی خوش را با اساس احترام رای عامه وضع نمایند — گویا بزرگترین — اساسی ترین و قویترین قوه ملل عبارت از رای عامه بوده و مقررات مردم و مقررات کسانی که در ساحه اجتماعی مثل اند به رای عامه مربوط میباشد — شواهد زیادی موجود است که سیاستمداران بزرگ — روسای جمهور و زمامداران قوی بنجه در اثر کوچکترین بی اعتنائی به رای عامه شکست خورده و از بین رفتهاند — علت حقیقی شکست خوردن عصمت انینو و حزب مربوطه اش در انتخابات ترکیه عبارت از بی اعتنائیها و سوء — های کوچکی در مورد احترام به حقوق و رای عامه بوده و حتی بمصرین سیاسی پیشگوی مینمایند که مستر توین و حزب دیموکرات امریکائیز شاید در اثر هيجان ارايه در انتخابات اخیر شکست خورده و مقام خوش را بحزب جمهوریت خواه واگذارد — این اثر قوی و بزرگ رای عامه فقط و فقط به مشمر بودن خلق بتوجه اسلشی خود شان و باتحاد و اتفاق آنها در هدفهای اجتماعی مربوط میباشد از نقطه نظر اسلام نیز اجماع یعنی اکثریت رای عامه و خلق رکن تمام احکام اسلامی بوده و گذا دین اسلام عزت و خیر را بجماعت مربوط میداند — پس اگر هموطنان گرامی ما باین حقیقت مشمر گردند که خود شان مصدر تمام قوای حیاتی و اجتماعی مملکت بوده و اساسا خلق است که با دادن مالیات و محصولات — عسکر و مستخدم — مامور و متخصص همه قوای حیاتی مملکت را بکار انداخته — ماشین اجتماع را چرخانید و برای راحت و سعادت خاک همه چیز را تولید میکند گویا سرچشمه همه نفعها و اساس و منبع هر گونه قدرتی فقط و فقط خلق بود و تمام اجزا و ارکان دولت بااساس رای عامه تشکیل گردیده و لذا امجبوراند که رای عامه را احترام نمود و برای رفاه خلق سعی و مجاهدت نمایند زیرا همه ریشه های حیاتی مملکت در دست خلق و مخصوصا

بدست طبقه جوان مملکت بود و اگر رشد سیاسی و تربیه اجتماعی مانند سایر ممالك در مملکت ما نیز تولید شده و استحکام یزید پس هیچکس نمیتواند بر خلاف رای عامه قیام کرده و طبعا دران صورت اتفاق و اتحاد مردم بیک نصب المین اجتماعی — مشمر بودن آنها از قوه خویش و عدم خوف شان از قوتها — و سبیه ها و پلای نهایی سیاه و تاریک — طبعا بشمار امور حیاتی مملکت نظم و نسق تولید شده و هیچکس نمیتواند بعیل و مفاد خود یا مقررات مردم بازی کند — جای بسی تاسف است که در مملکت ما نظریه عدم حاکمیت قانون — عدم آشنا بودن مردم بحقوق شان احترام رای عامه تقریبا وجود نداشته و چون کارمندان — مقررات خوش را مربوط به رای عامه ندانسته و فقط خود را — مربوط بفلان مقام و چوکی و شخصیت می شناسند پس تمام سعی آنها برای استرضای خاطر این چوکی مقام و شخصیت است بود و هیچگونه واقعی نیز به رای عامه و حتی به رای نمایندگان قانونی خلق نیز نمیکند — در مظا هره اخیر اطلا ع میدهند که کمیکی از کارمندان بزرگ دولت همه فحش و دشنام خود را بنام ملت بر مردم حواله مینمود — گذا نهاده ازین رفتار را با خلق در اعیاد — جشن ها و مراسم ملی همه کس پیش سر مشاهده میکنند چنانچه مقاله چوبکی ها در روزنامه رسمی انیس که چندی قبل نشر شده بود و هزاران شاعر دیگر برای اثبات این حقیقت خدمت میکنند — پس ای هموطنان گرامی اگر ارزو دارید بسعادت زیسته — شرف و ابروی شما حفظ شده و بحقوق شما تجاوزی بعمل نیاید باید بحقوق خود آشنا شوید و توسط انتخاب نمایندگان درست و صحیح مقررات سیاسی و اجتماعی خود را بدست بگیرید زیرا قنا زاد مخفف و تفاق و خوف است — ایرج یکی از شمراي نامدار ایران چه خوب گفته :

مرگ برای ضعیف امر طبیعیتست × هر قوی اول ضعیف گشت و سپس مرد
گفت ای جوجه از چشم شیر شرزنگشتی × تا نتواند کست بخون کشد و غرور

جلسه روز دوشنبه ۲ سرطان

نامه نگار خصوصی ما شاعلی عبد الحمید خان مبارز مینویسند که ساعت ۱۰ بجہ و ۳۵ دقیقه جلسہ مذکور تحت ریاست شاعلی داوی بحضور ۹۵ نفر وکلای محترم شروع شدہ و شاعلی -

عبد العظیم خان صافی سرمشی شورا و سپس محمد اعظم خان مشی شورا بقرائت پیشہ راپر وزارت مالیه برداختند - سپس - مذاکرات آغاز و قبل از آغاز مذاکرہ شاعلی نور علم خان وکیل میدان گفت کہ بعضی وکلا قصد بمجلس نمی آیند و مجلس را از تصاب می اندازند چنانچہ سال گذشتہ نیز با اساس همین عمل شان با آنکہ صد ہا مواد لا ینحل در شورا موجود بود برای چندین جلسہ تصاب شورا تکمیل نشد من از رئیس مجلس -

تقاضا میکنم کہ درین بارہ اقدامات نمودہ و کسانی را کہ تشریف نہیاورند غیر حاضر سازد - شاعلی داوی متذکر شد کہ از طرف دارالانشا باین مورد اقداماتی شدہ و حا ضرری گرفته میشود پس از آن شاعلی محمد انور خان وکیل بگرامی بیجا خاستہ و از رئیس مجلس تقاضا نمود کہ قبل از مذاکرہ بہ وی موقع دادہ و پس از اجازہ رئیس مجلس وکیل صاحب بگرامی بیان کرد کہ بعضی اشخاص در داخل و خارج شورا برخلاف بندہ میرویاکنند شوہ نمودہ برویاکنند چنان میگویند کہ مثلا عرات و عرایض اہالی بگرامی - شیوکی - سہاک و بٹخاک را تحریک بندہ وانمود سازند و ارزو دام کہ مسئلہ را تحریف نمودہ و عرایض مشروع اہالی را کہ طبق قوانین صورت گرفتہ سرکشی و بغاوت معرفی کند در حالیکہ اہالی بگرامی باقی نبودہ و صرف برای توضیح مسئلہ بدروازہ شواہلی کہ آخرین مرجع عرایض ملت است آمدہ و تمنا کردند کہ مسئلہ غلہ خریداری نسبت بپودہ رسمی صدر اعظم و تشریہ روزنامہ رسمی انیس و تصویب شواہلی فیصلہ - نمودہ و ایشل را از زیر این بارگران نجات بخشند وکلای - محترم ہمہ مشمر اند کہ مردم شش کروہی ہمیشہ در مواقع آزمایش امتحان خراب دادہ و شہامت و فداکاریہای شہان درج صفحات تاریخ است - ولی مبارزہ برای حق فرض مردم بودہ و نباید جقوقامی را بغاوت و سرکشی حساب کنند این کہ در بارہ من برویا کند می شود لا تم است عرض کنم کہ اگر وکیلی درد ہای ملت را با ولایای امور ترسانند و احساسات خلق را بدولت ترجمانی صحیح ننمایند گویا مسئولیت وحدانی خود را اجرا نکرده و سواکنند اولی را کہ در روز وکالت خوردہ خصم

جان او مشغول در خانہ خواہشمند برویاکنند بیان چہ در شورا باشند و چہ در خارج شورا ازین کوفہ برویاکنند ہا کہ بخیر ملت و دولت تمام میشود دست بکشند - داوی - ممکن است بیانات شما برای رفع این مسئلہ کافی باشد - قبل از آغاز مذاکرہ شاعلی عبد العظیم خان صافی سرمشی شورا اظهار داشت کہ در راپر ہای وزارت مالیه کہ در سال ۲۹ و ۳۰ بشورا دادہ است بیاینت ہای زیادی موجود بودہ و ارقام با ہم سر نمیخورند و امسال در چند جا مقدار غلہ کار آمد را بیشتر نشان دادہ اند سپس مذاکرات مجلس بترتیب ذیل آغاز شد و شاعلی رئیس شورا اظهار داشت کہ نوبت اول از آقای دکتر محمودی است - عبد الرحمن محمودی وکیل کلہل - اولاً بندہ از دارالانشای شورا رجا میکنم کہ راپر کمیسیون زمستان را نیز مانند راپر وزارت مالیه کہ نشر شدہ است برای نشر بہ مطبوعات رسمی بفرستند - ثانیاً در مورد راپر کمیسیون عرض میکنم کہ چون یکبار بطور عمومی برای استحضاری مجلس راپر مذکور قرائت شد باید بعد ازین بہ نوبت ہرقدرہ ان مفردات تحت بحث قرار گرفتہ و پس از اخذ اراء وکلا فیصلہ شود - اینک بندہ راپر خود را در مورد راپر وزارت مالیه کہ بشورا فرستادہ و باصلاح نشر شدہ است بسمع وکلا می عرض میکنم - در صفحہ اول راپر کہ توسط نمایندگان دولت بشورا تقدیم کردہ اند مینویسند - (کہ ما برای پیشبرد نظام اجتماعی و حفظ استقلال و تحکیم بنیان زندگانی خود بیکد سہ فعالیت ہای ضروری و سریع احتیاج داریم یعنی در سازمان اجتماعی ما نواقص موجود است کہ ما برای بقا و موجودیت خود مجبوریم ان را از پیش برداریم - ما با داشتن این نواقص و بیاموجودیت این حباب ابتدائی و سادہ نمیتوانیم در جہان امروز موقیبت و حتی بقای خود را حفظ کنیم - این را پسر وزارت مالیه کہ دیباچہ پیش نبودہ فقط برای گول زدن وکلای ملت ترتیب شدہ ما با اعتراضات شان تصدیق میکنیم ولی بحکومت عرض میکنم کہ اساساً بقای یک مملکت مربوط بخلق و تساند و اشتراک با ہی خلق در راہ حفظ شعوات و نوامیس ملی و جان نثاری در راہ بقا و مبارزہ زندگیت در ہمہ دنیا کارندان دولت سعی میکنند کہ با احترام رای عامہ پلان و پروژہ خود را ترتیب دادہ ولی در مملکت ما کارندان دولت قطعاً بہ رای عامہ و وکلای قانونی خلق

استرایی را قاتل نبوده و قطعا از ژوند دارند که بر تائین مملکت
و یا اراء گيرت و کلا که مثل رای عامه خلق است وقتی گذارند
در معاربات اخيره فدا کار بهای عساکر دول متحارب همزاده
حسن فدا کاری و ایشار و مبارزه در راه زندگی بوده ولی علت -
حقیقی اینهمه فدا کار بهای همانا عبارت از رفاهیت - سعادت
و رومه یا شرفانه بود که در مملکت شان حاکمیت داشته و گویا هر
کدام سعی میکردند از سر زمینی که ناموس شرافت و ابروی شان
را محافظت مینمود حمایت نمایند اما بیقانونی و بیعدالتی در
بین قوم بی اعتمادی تولید کرده و روح بی اعتمادی حسن فدا
کاری و ایشار را محو و نابود کرده و چون خود سری - خود را این
ظلم و استبداد جهنمی بر پا میکند پس هیچکس حاضر نخواهد
شد که از جهنم دفاع نماید بلی تسائد و تمهات با همی فقط
فقط در سایه اعتماد و اعتبار قول و عمل حکومت بوجود آمده -
میتواند و پس - اگر ملتی بکار گران حکومت اعتماد نداشته باشد
پس هیچگاه روح همکاری و تمهات تولید نشده و لذا چون تدویر
چرخ زندگی بدوش خلق بوده و توده ملت با قوه خوش چرخ
های ماشین اجتماع را بکار میاندازند پس ماشین حیاتی آن
ملت فلج شده و از کار میافتد - تقویه بنیه اقتصادی يك ملت
امروز مربوط به کار است زیرا کار ثروت حقیقی و اساسی ملل
حساب شده و چون کار زاده فعالیت دست و دماغ است پس از
يك ملت مریض و گرسنه و برهنه کاری که مولد ثروت و مفید باشد
بوجود آمده نمیتواند - از طرف دیگر تقویه بقیه اقتصادی يك
مملکت باز هم مربوط به روح اعتماد خلق به حکومت است و اگر روح
اعتماد در بین نباشد و شک شبهه و عدم اعتماد در امور حکمرانها
باشد پس هیچگاه بی مساعادت و معاوضت خلق - کار و در نتیجه
ثروت (دولت) تولید نشده و بنیه اقتصادی ملت و در نتیجه
بنیاد اقتصادی دولت کسب قوت نمی نماید - نمایندگان حکومت
در رابره خود اعتراف میکنند که (طرق و شوارع الماسی نداریم -
معارف و مکاتب صحیح و معلمین کثی و درست نداریم - زراعت
ما به سیستم بسیار ابتدائی است و نواقص عده دارد و تا اکنون
قدیمی در راه اصلاح زراعت بر داشته نشده ...) بلی این
اعترافات شان نیز درست است و ما و همه ملت میدانند که اگر
وزرای مملکت مبالغه گیری را در راه افشاء بند ها صرف کرده اند
نظر بسو اداره و سو استفاده و عدم سنجش استفاده از آن
حاصل نشده و طبیعتا بول این ملت فقیر بیپوده درین راه صرف
شده است (بخت سربازان فقیر و غیره) و اگر کدام نهی را

شیده و از بول و کار خلق کارمندان حکومت استفاده کرده
اند و صد ها نفر در راه آن جان داده اند باز هم اراضی
مزرعه که با عرق ریزی و جانگی های زیاد مردم بوجود آمده
کارمندان دولت در بین خود و چند نفر محدودی تقسیم
کرده و بخلق اصلا حصه نداده و یا مشتی از خروار دادند .
(مثل نهی گورگان) پس با این روح بی اعتمادی و خفتستیزی
ایا باز کارمندان حکومت انتظار دارند که خلق در آینده در
راه حفر نهی و کازالی با آنها همکاری کنند ؟ گویا کارمندان
حکومت در اثر سو استفاده و اغراض شخصی در هر حرکت و
عمل خود اعتماد خود را در نزد خلق سلب کرده و مردم را
از حکومت مایوس و نا امید گردانیده اند حتی بند سلطان را
در غزنی که مردم از آن استفاده مینمودند بطام تعمیر تخریب
کرده و خلق را از استفاده آن محروم ساختند - بزرگترین
افتخار حکومت تعمیر بند بزرگ بهرام است که از نقطه نظر
تخنیک - انجینیری و حسابی قرار اعتراف وزرا ما نه اثرا -
کنترول توانسته و نه قادر باد اراه این دستگاه بزرگ و عصری بوده
و چون نمیتوانیم با اصول عصری اراضی مذکوره را زراعت نمائیم
پس استفاده که باید و شاید و با اقتصاد ما موافق و بمصارف
ما متناسب باشد ازین بند عصری هم نتوانسته و حتی برای -
حساب شده و چون کار زاده فعالیت دست و دماغ است پس از
يك ملت مریض و گرسنه و برهنه کاری که مولد ثروت و مفید باشد
بوجود آمده نمیتواند - از طرف دیگر تقویه بقیه اقتصادی يك
مملکت باز هم مربوط به روح اعتماد خلق به حکومت است و اگر روح
اعتماد در بین نباشد و شک شبهه و عدم اعتماد در امور حکمرانها
باشد پس هیچگاه بی مساعادت و معاوضت خلق - کار و در نتیجه
ثروت (دولت) تولید نشده و بنیه اقتصادی ملت و در نتیجه
بنیاد اقتصادی دولت کسب قوت نمی نماید - نمایندگان حکومت
در رابره خود اعتراف میکنند که (طرق و شوارع الماسی نداریم -
معارف و مکاتب صحیح و معلمین کثی و درست نداریم - زراعت
ما به سیستم بسیار ابتدائی است و نواقص عده دارد و تا اکنون
قدیمی در راه اصلاح زراعت بر داشته نشده ...) بلی این
اعترافات شان نیز درست است و ما و همه ملت میدانند که اگر
وزرای مملکت مبالغه گیری را در راه افشاء بند ها صرف کرده اند
نظر بسو اداره و سو استفاده و عدم سنجش استفاده از آن
حاصل نشده و طبیعتا بول این ملت فقیر بیپوده درین راه صرف
شده است (بخت سربازان فقیر و غیره) و اگر کدام نهی را

کومتانی - قسمتی باقی و قسمتی هم زراعتی بوده و لسی

نظریه عدم وسایل عصری استفاده درستی نمیشود (این

گفتار وزرا درست است و ما میدانیم که در بیست سال وزارت

مالیه احصایه درستی از اراضی مزرعه‌بست نداشته و با

آنکه خود شان در رابور خود اعتراف میکنند که در جاهایی که

نفوس مملکت متزاید و زمین آباد است اگر اراضی بر خلق تقسیم

شود به ۴ - ۵ نفر یک جریب زمین نخواهد رسید - اما

باز هم با این اعتراف صحیح شان ما بچشم سر مشاهده می‌تائیم تردید و خاطر نشان می‌سازد که اگر از عینک خوشبینی بان خبر

که هر کارمند بزرگ هزاران جریب زمین داشته و تمام ممالک دیده شود البته در آن مورد گفته خواهد شد که ندای خلق

حالا صلیخ و سر سبز بدست کارمندان بزرگ حکومت و چند به نشر این خبر قبل از اطلاع به اساس فیصله محکمه پرداخته

نفرین‌دار است بمعقیده بقده اساس خرابی زراعت و عدم -

استفاده از اراضی همان است که تمام اراضی مزرعی مملکت در

دست چند نفر متمرکز کرده و آنها نمیتوانند بطریق درستی

آنرا آباد سازند و حالا آنکه توده فقیر ملت فاقد همه چیز

است پس در حالیکه خود شان بقتل اراضی اعتراف میکنند

پس چرا هزاران جریب زمین مردم را با تهدید و تخویف تصرف

کرده و کرده می‌روند معلوم است که خود شان بگفته خود اعتماد

نداشته و اصلا بفکر پاره این درد نبوده و فقط برای قناعت و کلا

این بحر طویل را سرانیده و این مقدمه بزرگ را چیده اند -

پس آیا با این روح بی اعتمادی و استفاده های شخص و تس

جا تر صریح ایا خلق و نمایندگان شان میتوانند با اینگونه

کارمندان بزرگ حکومت معاشرت کنند و آیا معاشرت اعتماد به

اینگونه اشخاص ممکن است؟ در ۲۰ سال ما بچشم سر دیدیم

برای تربیه جنگل - چرا که زراعت کدام اقدام مضر و مفید ی معین موجود است؟ ندای خلق طوریکه قبلا توضیح شد نسبت

بشده و آیا ما میتوانیم در آینده بکدام استناد و کارمند

حکومت و وزرای موجوده انتظار کاری داشته باشیم؟ نمایندگان

حکومت در رابور خود اعتراف میکنند که سویه تعلیمی ما ناچیز

و بیست و تجارت ما به سیستم جدید نبوده - اساس مالیه اصولی

نیست - طرق و شوارع خراب و نقلیات ممدوم است - بل

همه نواقص مذکوره در اثر عدم معرفت و استفاده های شخصی

اکثر کارمندان دولت بوجود آمده ولی باز هم وزرا موجوده مارزو

دارند باید اینده و بوجه گلستان موعود و خود سلطنت خود

بانتظار طولانی که شاید بیست سال دیگر در بر بگیرد توصیه

میکند که ما بوزرای دیگاه و دانشمندی که مملکت را در اثر

قانون شکنی ها - خود رایی ها - خود سربها و بیمدالتی ها

چون جهنم ساخته اند باید بیست سال دیگر موقع دهم تا

تردید یک خبر از طرف محکمه فوق الماده

ریاست مطبوعات باسلس قانون مطبوعات در تحت عنوان فوق

این خبر را برای نشر بما فرستاد هاند :

در شماره ۲۵ تاریخی ۲ سرطان ندا خلق خبری تحت -

عنوان محاکمه شاعلی صافی نشر و در آن از طرف خود ندا

خلق مجازات صافی را بر خلاف فتوای شرع انور باسلس لزوما

و جبرا به محکمه افترا و ادعا نموده است که محکمه این راجدا

باز هم با این اعتراف صحیح شان ما بچشم سر مشاهده می‌تائیم تردید و خاطر نشان می‌سازد که اگر از عینک خوشبینی بان خبر

که هر کارمند بزرگ هزاران جریب زمین داشته و تمام ممالک دیده شود البته در آن مورد گفته خواهد شد که ندای خلق

حالا صلیخ و سر سبز بدست کارمندان بزرگ حکومت و چند به نشر این خبر قبل از اطلاع به اساس فیصله محکمه پرداخته

نفرین‌دار است بمعقیده بقده اساس خرابی زراعت و عدم -

استفاده از اراضی همان است که تمام اراضی مزرعی مملکت در

دست چند نفر متمرکز کرده و آنها نمیتوانند بطریق درستی

آنرا آباد سازند و حالا آنکه توده فقیر ملت فاقد همه چیز

است پس در حالیکه خود شان بقتل اراضی اعتراف میکنند

پس چرا هزاران جریب زمین مردم را با تهدید و تخویف تصرف

کرده و کرده می‌روند معلوم است که خود شان بگفته خود اعتماد

نداشته و اصلا بفکر پاره این درد نبوده و فقط برای قناعت و کلا

این بحر طویل را سرانیده و این مقدمه بزرگ را چیده اند -

پس آیا با این روح بی اعتمادی و استفاده های شخص و تس

جا تر صریح ایا خلق و نمایندگان شان میتوانند با اینگونه

کارمندان بزرگ حکومت معاشرت کنند و آیا معاشرت اعتماد به

اینگونه اشخاص ممکن است؟ در ۲۰ سال ما بچشم سر دیدیم

برای تربیه جنگل - چرا که زراعت کدام اقدام مضر و مفید ی معین موجود است؟ ندای خلق طوریکه قبلا توضیح شد نسبت

بشده و آیا ما میتوانیم در آینده بکدام استناد و کارمند

حکومت و وزرای موجوده انتظار کاری داشته باشیم؟ نمایندگان

حکومت در رابور خود اعتراف میکنند که سویه تعلیمی ما ناچیز

و بیست و تجارت ما به سیستم جدید نبوده - اساس مالیه اصولی

نیست - طرق و شوارع خراب و نقلیات ممدوم است - بل

همه نواقص مذکوره در اثر عدم معرفت و استفاده های شخصی

اکثر کارمندان دولت بوجود آمده ولی باز هم وزرا موجوده مارزو

دارند باید اینده و بوجه گلستان موعود و خود سلطنت خود

بانتظار طولانی که شاید بیست سال دیگر در بر بگیرد توصیه

میکند که ما بوزرای دیگاه و دانشمندی که مملکت را در اثر

قانون شکنی ها - خود رایی ها - خود سربها و بیمدالتی ها

چون جهنم ساخته اند باید بیست سال دیگر موقع دهم تا

را خراب - قلوب مردم را جریحه دار و مملکت را جهنم ساخته

ایند و در میدان تجارت بیست ساله ناکام مطلق بوده اید آیا باز هم از ملت اعتماد و برای آزمایش موقع میخواهید؟ من بصدای بلند باقای وزیر اظهار میکنم که شما از هر جهت اعتماد خود را در نزد ملت باخته و خلق بچشم سر مشاهده مینمایند که از دست شما کاری ساخته نیست ولی بد بختی خلق — جهالت عمومی — فقر و فاقه عمومی و امراض عمومی همه بدست شما و در اثر یلایتهای عالمانه شما درین خاک کشته شده و شما در مقابل خلق و تاریخ محکم و مستولید — اینکه آقای وزیر در را بهر خویش از وضع سیاسی افغانستان شکایت میکنند ما برعکس — معتقدیم که وزیر توانستند از وضع مساعد سیاسی افغانستان مخصوصا در جنگ دوم استفاده نموده و نظریه و سیاست روابط ما را با تمام دول همسایه برهم زده و از عهد ممری — افغانستان در دنیا بر نیامده و نمایندگان شما در خارج اشخاص نا اهل و نالایق بوده و طوریکه بچشم سر دیده ایم فعالیت سیاسی کارمندان حکومت در خارج بجز تجارت های شخصی و استفاده های نا جائز و جمع پول چیز دیگری نبود و حتی در ممالکی که بنده بچشم سر دیده ام بمشکل سفارت — افغانستان را نظریه گمنامی میتوان سراغ نمود — بنده وقتیکه دو سال قبل به ترکیه رفتم در سفارت ترکیه آقای سفیر و یگفر سرکاتب موجود بود که تقریبا بکدام زبان خارجی اشتهاد نبوده و چندین روز نامه هائیکه در آنقره و استانبول نشر میشد قطعا اشتراک نداشته و فقط بصورت تصادف خبر میشدند که فلان روز نامه در خصوص افغانستان چندین روز قبل چیزی نوشته است و حالا نکه نمایندگان پاکستان افراض سو و قاسد خیل را تقریبا در تمام روزنامه های ترکیه نشر کرده و شاید در دیگر ممالک نیز در جریان یکسال یک مقاله هم برای ممری — افغانستان از طرف سفارتخانه های ما داده نشود و داده نشده باشد بمعقیده ما سفارتخانه های ما یک موسسه شخص چند افراد مخصوصی است که نه قدرت ممری ملت نه فکر تحکیم روابط را بر کرده اند و طبعا در اثر این استفاده های نا جائز و سیاسی و اجتماعی و نه عقل و لیاقت فعالیت های سیاسی را داشته و فقط باز یاد سفارتخانه ها برای افراد معلوم و مشخص جای تهیه دیده و باری را بدوش این ملت گرسنه و فقیر بار کرده ایم — آقای وزیر بفرمایند که این ملت فقیر — گرسنه و برهنه و عقب مانده که خود شان بهمه آنها اعتراف دارند چگونه بدین ممری شده و شاید نمایندگان سیاسوها سعی کرده باشند این کابینه را پس و پیش انتخابی و غیر قانونی را یک حکومت ملی و —

انتخابی و دیوگراسی ممری کرده باشند ولی تا جاییکه ما معلومات داریم اینهم از اکثر سفرای ما ساخته نیست نمایندگان حکومت پس از مقدمه که خود شان بخوابیهای موجوده در هر ساجه اعتراف مینمایند از ترقیات شاندار کشور در ساحه معارف و سرک سازی و بند و انبار ۵۰۰ حرف زده ولی ما از آقایان وزیر میپریم که آیا این ترقیاتیکه شما از آن حرف زده و بیان مینازید آیا با ممالک همجوار ما قابل مقایسه بوده و حتی میتوان احوال اقتصادی و عرفانی و اجتماعی ما را با مستعمره های دیروزه انگلستان و بلجیکت همجوار ما ایران مقایسه و مقایسه نمود؟ آیا حال ایران ۲۰ سال اولتر از ما بارها بدتر نبود؟ آیا در ظرف ۳۰ سال روسیه شوروی یکی از مقتدرترین دول دنیا نگردیده است در حالیکه ما اولین ملکی بودیم که روسیه شوروی را به رسمیت شناخته ایم و آیا روزنامه ها و نشریات ۲۰ سال قبل ایران حکومت خود را با اقتدار افغانستان تحریض نمیکرد؟ آیا چند در ظرف چند سال اخیر در هر ساجه ترقیات در خدانی که ما در ۲۰ سال بحکم حصه ان نایل نشده ایم ننموده است؟ آقای وزیر شما همه این چیزها را شاید به ثروت ملی عطف کرده و باز شاید بفرمائید که مملکت فقیر بوده و فقر بود چه مملکت را بر روسها بکشید اما ما از وزرای محترم سوال میکنیم که شما هم وزرای این ملت فقیر و بی بضاعت بود ولی بفرمائید دارای چند قصر و باغ و چه مقدار اراضی و چه مقدار اسبها در بانکهای داخل و خارج مملکت میباشید؟ و اینهمه ثروت و جاه و جلال را بکدام استحقاق و این جوکی های مروضی را بکدام لیاقت گرفته اید بمعقیده ما در اثر افراض شخصی و سو استفاده های مریح و واضح کارمندان بزرگ هیچ پلان مفیدی در مملکت طرح نشده و فقط کارمندان بزرگ از جیب خلق کیسه های خوش افراد مخصوصی است که نه قدرت ممری ملت نه فکر تحکیم روابط را بر کرده اند و طبعا در اثر این استفاده های نا جائز و سیاسی و اجتماعی و نه عقل و لیاقت فعالیت های سیاسی را داشته و فقط باز یاد سفارتخانه ها برای افراد معلوم و مشخص جای تهیه دیده و باری را بدوش این ملت گرسنه و فقیر بار کرده ایم — آقای وزیر بفرمایند که این ملت فقیر — گرسنه و برهنه و عقب مانده که خود شان بهمه آنها اعتراف دارند چگونه بدین ممری شده و شاید نمایندگان سیاسوها سعی کرده باشند این کابینه را پس و پیش انتخابی و غیر قانونی را یک حکومت ملی و —

نیاز مملکت را رفع نماید در سال گذشته در مقدمه
 رابری که در مورد ایزاد محصول مال التجاره حکومت بشو را
 نوشته بود - وزیرا اعتراف مینماید که سی سال اولتر -
 افغانستان ۸۰ فیصد ما بحتاج حیاتی خود را در داخل
 مملکت تهیه دیده و امروز صد فیصد در هر ساله محتاج غیر از چوکی خود نزدیک میزن نامه نگاران آمده و گفت که با اجازه
 این اعتراف وزیرا درست بوده و حقیقتا احتیاج صد فیصد ملت رئیس صاحب عرض میکنم که ما نمیفهمیم اینجا مجلس پارلمان
 در هر ساله و از بین رفتن صنایع دستی و حرف ملی فقط
 و فقط زاده مجاهدات و عرقریزهای شیا روزی وزیرای محترم
 است - غله خریداری اساسا خلاف ماده ۲۶ قانون
 اساسی است و وزیرای محترم در حالیکه شورا ملی وجود دارد
 بطور غیر قانونی برای گرفتن سند یا خلق مذکره نموده و مثلا
 در یک ولایت یک یا دو ملیونی با دو صد نفر هم نشینان
 هنگام و نائب الحکومه ها مذکره نموده و ازان ها مجلا گرفته
 و ازان طومار های ساختگی میخواهند در مقابل شورا استفاده
 کنند پس صرف نظر از نظم علل و عوامل بنده صاف و پسا ک
 عرض میکنم که با اعتراف صحیح صدر اعظم صاحب که در سال
 گذشته برای رفع غله خریداری و با عدم همکاری وزیرا و با آنکه
 وکلا در ظرف سه سال بهر گونه همکاری حاضر شده اند
 و نظریاتیکه وزیرا در اثر استفاده های شخصی و اغراض سوء
 خود نمیکشند روابط ملت و دولت خور شده و دولت و
 ملت با هم نزدیکتر شود و نظریاتیکه کارمندان بزرگ حکومت
 درین همه گیر و دار ها استفاده های شخصی دارند پس ما
 هیچگاه نمیتوانیم یا وزیرانیکه طرف اعتماد ما و ملت نیستند حرف برای گرفتن استقلال قربان کردند و عهد میدادند که کسی
 بزنیم اما چون ما به شاعرین خود و بتم و ملت خود وفا داران بجان ناجور از فرانسه آمده و ما را نجات داد و حالا دشمنان
 و دوست بوده و روا دار نیستیم که در بین دولت و ملت کشیدگی خارجی ما را آرام نیکنند و میخواستند تزلزل پیدا کنند به
 و سوءظنی تولید شود پس ما جدا از شاعلی رئیس شورا عقیده من این گپ ها خوب نیست .

موجوده رای عدم اعتماد داده و قطعاً حاضر نیستیم که با
 کابینه موجوده که فقط بقصد شان دوله غله خریداری و یا
 سه چند ساختن مالیه است حرفی بزنم . (تائید اکثریت وکلا)
 غلام حضرت خان وکیل کابینه - شاعلی وکیل کابینه
 ۱۲ ملیونی است و یا جای لکچر معلم است - ما نمیدانیم که
 ما وکیل هستیم یا نه اگر وکیل هستیم باید خیر مملکت را بدانیم
 و کار کنیم و مثل دوره ها بگذشته شورا مصدر خد مت گردیم
 زیرا اینها غرض دارند و تبلیغاتی که در پارلمان میکنند از روی
 اغراض شخصی است پس شما دارای موقعیت محترم میباشید
 باید اجنده را تعقیب کنید یعنی بر مسئله دیوبو بحث شود
 و حالا نکه در اینجا در اجنده بحث نشده و پرو پا بگذر میشود
 آمدیم در مسئله که میگویند اکثر مردم جلا ی وطن شده اند
 اینهم اغراض شخصی است (حالا نکه شاعلی محمد صدیق
 خان وکیل مشرقی خودش در مجلس عمومی بحضور هم وکلا -
 اظهار داشته که عده از هموطنان من از ظلم غله خریداری
 بخارج فرار کرده و اگر همین کار دوله کند شاید بیکران نیز
 ترک وطن گویند ولی شاعلی وکیل کابینه یا عده ا انکار میکنند
 و یا شاید در آن روز تشریف نداشتند) و از منابع خارجی
 ریشه میگیرد الحمد لله این ملت امتحان داده همین خاندان
 استقلال وطن را گرفت و همین ها بودند که جان خود را
 نیستند حرف برای گرفتن استقلال قربان کردند و عهد میدادند که کسی
 بزنیم اما چون ما به شاعرین خود و بتم و ملت خود وفا داران بجان ناجور از فرانسه آمده و ما را نجات داد و حالا دشمنان
 و دوست بوده و روا دار نیستیم که در بین دولت و ملت کشیدگی خارجی ما را آرام نیکنند و میخواستند تزلزل پیدا کنند به
 و سوءظنی تولید شود پس ما جدا از شاعلی رئیس شورا عقیده من این گپ ها خوب نیست .

درخواست مینمائیم که عرایض ما را بحضور ذات شاهانه تقدیم
 فرمایند تا اعلیحضرت همایونی امر فرمایند یک کابینه مسئول رانی نمودند ولی من دیروز حاضر مجلس نبودم و وقتی که من امروز
 و طرف اعتماد وکلا و ملت بزرگوارید تا ما درین مورد حیاتی
 و سایر قضایای مهم و حیاتی خلق با حکومت داخل مذکره
 گردیم زیرا تجارب سه ساله ما ثابت کرده است کابینه موجود شده و رئیس صاحب دیروز مجلس هم موافقت کرده پس دوباره
 سر همکاری با وکلا ی ملت را نداشته - بقانون - شورا و
 حتی قانون اساسی را احترام نکرده و امروز دارند که منافس
 شخصی خود را فدای تحکیم روابط دولت و ملت کرده و بلکه
 سعی دارند ملت و دولت را از هم دور نگاه نموده و میدان را
 برای استفاده های نا جائز خود وسیع تر گردانند - پس من
 بحیث یک وکیل و بمقامی که از احساسات خلق بکا بینم
 درست است زیرا ما هنوز به سیستم بیانیه ها بلد نبوده و -
 موضوع از نزد ما برانگنده میشود و یا اینکه اصلا وکیل موضوعی
 را که سخنرانی میکند خارج موضوع نمیدانند من خواستار بیگم
 که کپ های هیچکس را غرض تلقی نکنیم و بی شک نیست که

گذارش مظاهره ۲ سرطان

در لیسه استقلال

نامه نگار ندای خلق دیده گی ها و شنیده گی های خود را در میتنگ (جلسه) پشتونهای سرحد و داخلی در مورد پشتونستان بساطت ۲ بجه بعد از ظهر چنین مینویسد خطاب به این کلمات شروع گردید (مسئله امروزی ما مسئله حیات و ممات تمام ما است ولی وقتی میتوانیم که از محایب روزگار برکنار مانیم که صادق - غدار - خیانتکار و شیطان خود را بشناسیم (گفتند نهایی حضار) لازم است - خاتمین ملی را سناکه وید سزا بفرستیم تا سفاهت و شما امروز طوری خواب هستیم که دشمن ما را بتوک برعصیدار میکند در حالیکه اگر تاریخ را ورق بزنید و زندگانی - نیاکان خود را مشاهده کنید می بینید که بزرگان ما کما دیگران را بتوک برچه بیدار کرده خداوند را شکر داریم که ملت ما مسلمان بوده و الحال ما و شما روزه ایم شاه مسلمان و عدالت پسند داریم ولی تذکر میدهم که فیصله محاکمه فوق العاده درباره صافی و تثبیت برات آن و بنام تولید توهم بازداشت شدن او نزد ما سخت است و لذا از یاد شاه دیموکرات خود انفعات نوازش داریم - صافی کسی است که از پشتونستان طرفداری کرده و طرفدار نهضت و آزادی مملکت است و در حالیکه از آقای صافی تعریف نموده و جمعیت با آوازهای بلند زنده باد پشتونستان - زنده باد شاه و یا بنده باد اسلام مصروف بودند عزت اله خان و صالح محمد خان مجددی مداخله کرده و صدا میکردند صافی ... است و با آقای صافی دشنام داده و صدا میکردند که کسی نمیتواند پشتونستان را بگیرد و ما پشتونستان را نمیخواهیم و در ضمن وجد و استغراق خود کلمات بی تربیه - وحشی و جاهل را در مورد عموم ملت استعمال نموده و به مظالمه کنندگان دشنامهای صریح داده و در اثر تحقیر عمومی و تجاوز پشتونات ملی مجادله آغاز شد - پولیس مداخله نمود و قانونا حق داشت - اداره و انتظام شاعلی عطاء اله خان عظیمی قابل توصیف و زویریه سید اکبر خان قلیبیل ستایش است ولی دشنامهای عمومی و زب و کذبها و حتی عابرین سرک را بزرگداشتی کشیدن و اجیب و کلاه و -

بعضی سخنان تاثیر خوب و بعضی تاثير پديد دارد ولی بايد دانست که هیچ کس و هیچ وکیل برخلاف منافع ملی مملکت نیست .

نور علم خان وکیل میدان - مسئله غله خریداری از سه سال باینطرف موضوع مباحثه بوده ولی تا امروز بیکدم نقطه مطلوبه نرسیده ایم سال گذشته مدت زیادی بود چه مورد مطالعات زیاد و کلا قرار گرفته ولی صدر اعظم صاحب امد و بهر حيله که بود بودجه از شورا گذشت و صدر اعظم از وکلا رجا نمود که بشرطی ا بودجه از شورا گذشتانده شود که غله خریداری که يك تكليف طاقت فرسا است در سال ۳۰ از دوش ملت برداشته شود همه وکلا و مخصوصا بنده برخلاف کميسيون زمستانی - بودم ولی در اثر وعده مذکور برای حل قضیه غله خریداری - نمایندگان شورا انتخاب شد و زرا تشریف آوردند و انهدارخواست نمودند که چون رفع غله خریداری از طرف وکلا پیشنهاد شده باید مدارک را نیز آنها تهیه نمایند - ما مدارک را تهیه نموده و در عوض ۴۳ ملیون کسر بودجه ۴۹ ملیون افغانی تهیه کردیم ولی مدارک شورا بدون فیصله و اطلاع شورا باقرودی معاش بکار رفت پس واضح است که کميسيون زمستانی که برای حل سه مسئله (بیکار - غله خریداری و بودجه) تعیین شده بود بجای نرسید در صورتیکه کابینه بقانون اساسی احترام نگذارد پس چگونه طبقه پست تر ملت از علاقه دار و غیره توقع کنیم که آنها حقوق مردم را احترام نموده و قانون شکنی نکنند - پس من از مجلس خواهم میکم که همان پنجاه ملیونی را که در زمستان برای رفع غله خریداری تصویب کرده ایم دوباره برای رفع غله خریداری تخصیص دهیم و لو تصویب ما در طاق نمایان بماند و احترام نشود ولی بهر صورت مسئولیت وجدانی ما رفع میگردد و من بحیث يك وکیل نظر میکنم که کابینه موجوده قطعا بقانون اساسی و تصاویر شورا اعتنا نکرده عدم اعتماد خود را بکابینه موجوده اظهار نموده و خواهش میکنم که مطابق قانون کابینه جدیدی تشکیل شده و بعد از اعتماد شورا مسایل حیاتی خلق را فیصله نمایند تا مردم آرام شوند (تا ئید اکثریت وکلا و فریاد وکلا) باید رای گرفته شود تا مسئله فیصله شود (بقیه در اتی)

تصحیح

در شماره ۲۵ ندای خلق صفحه ۴ متون اول سطر ۳ در

عوض کلمه زایل (ظاهر) خوانده شود .

در شماره آینده منتظر مقاله مرده سید ابراهیم شاعلی شیر محمد خان

وکیل قره باغ غزنی باشید .

بایست که مردم را به تثبیت گرفتن والی صاحب بفرستند و در صورت افکندن و قاتلها و اهرامات و غیره (در شماره آینده منتظر نوشته ما در مورد اهرامات باشید)

خواندنیهای خلق

عشق

دل در کف بیداد تو جز داد ندارد

ای داد که کس همچو تو بیداد ندارد

فریاد رسی نیست درین ملک و گرنه ...

کس نیست که از دست تو فریاد ندارد

دلها همه گردیده خراب از غم و اندوه

جز بوم درین بوم - دل شاد ندارد

هر جا گذری صحبت جمعیت و حزب است

حزبی که درین مملکت افسراد ندارد

دل در قفس سینه تنگ مرغ اسیری است

کز بند غمت - خاطر آزاد ندارد

عشق است که صد باره نماید جگر کوه

ایگونه هنر تیشه فرهاد ندارد

(فرخی)

بقین ما

کاش تا صبح بچشم ما دیدی آنچه ما دیده ایم در پرده

آن زمان آمدی سرانصاف نزدی حرف های ده مرده

خورده گیران از حقیقت دور خورده گیری همه بخود کرده

سخن اهل دل شنو که اگر نشنیده کسی بسر خورده

(شافعی خال محمد خان خسته)

خبرهای از آن ششدرک

از خارج - عساکر ایران با تفنگ های برجه دار تصفیه

خانه تیل را محاصره نمودند ... "دلخ" در خشت خلم

دیده که بین جابان و پاکستان کدام قرارداد صنعتی

که بر اساس آن انجینیرها و متخصصین جابانی صنایع

پاکستان را اداره خواهند نمود در شرف انعقاد است ...

اگر دولت بهیخواه بر طایفه رودارشان باشد بمید نیست

در داخل بر تشکیلات پولیس مرکز تحولی که برفاهیت

عامه ختم میشود صورت گرفته ... با آنکه مرستون در جمع

کردن فقیر و بینوای شهر مصروف میباشد زکوة ارباب مال

و سرمایه غده ای را بدروازه شان رهبر است ... لازم

است این زکوة ها از راه مرستون به مستحق برسد نه

به مفتخوار مرته ششدرک و دلخ هر دو وظیفه را گذاشته

در پی زکوة و اسقاط خواهند رفت ... رمضان در آخر است

ترانه های دری و شیراز خیلی بهجت زاست ... خانمی

در سرک ولایت کابل پیراهن خود را بدست فروشی عرضه

و دخترکی يك تخته شطرنجی را بفروخت ... در چوک

جاده میوند سقایی را موتر شربت هلاکت چشائید ...

هید میرسد ... به سنت جامه های نو شاید موترهای

وزرا هم با جل و بل از مودلهای نو تجدید گردد .

توضیح

مدیریت عمومی معارف ولایت کابل در پیمه مکتوب نمره ۱۴۴۴

چنین توضیحات میدهد در شماره ۲۱ جریده ندای خلق

نوشته شده که (سید عزیز معلم صنف سوم مکتب میدان

بائرت و کوب قوت نموده انا الله و انا الیه راجعون)

حقیقت امر چنین است که اسم معلم سید عزیز نبوده غلام عزیز

و معلم صنف سوم نی بلکه شاگرد صنف اول میباشد - چون

مدیریت عمومی معارف قبلا نیز همچو اطلاع واصل شده

بود بنا بران در اثر بازرسی و تحقیقات هیئت سه گانه

حکومت محلی میدان مدیریت معارف لوگر بمعارف ولایت

کابل و تصدیق دکتور معتمد ثابت شد که معلم مذکور

بائرت و کوب تی بل بائرت مرض (انتانی) که ۲۱ یوم

بیش بان مصاب بود فوت نمود .

ندای خلق - از توجه شلن در مورد لت و کوب معلمین

تشکر و صرف در قسمت دکتور معتمد که از مرض شاگرد مذکور

در ۲۱ روز پیش تصدیق نموده خوا هشمند است محض

معلوات و قناعت خلق اسم داکتر یا نوعیت مرض انتانی

معلم مذکور چرا ذکر نشده ... انا الله و انا الیه راجعون

شرح اشتراك

کابل - ۴۰ افغانی سالانه

ولایات - ۴۵ " "

خارج - ۵ دالر " "

تکسماره يك افغانی

مطبعه - گستر ندای خلق - کابل